



اصول فقه ۳ (حلقه ثانی)

سطح ۲

درس ۸

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای مصطفی ده‌باشی

راه‌های اثبات وجدانی صدور که افاده علم می‌کنند، عبارتند از: خبر متواتر، اجماع و سیره متشرعه. این سه راه، انحصاری نیستند، اما مصنف آن‌ها را به عنوان مهم‌ترین راه‌های پیش روی غیرمعاصرین معصوم(ع) می‌داند. در مباحث پیشین، کاشفیت خبر متواتر و اجماع بر اساس حساب احتمالات بیان شد.

در این درس، راه سوم از راه‌های اثبات وجدانی دلیل شرعی که سیره متشرعه نام دارد مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌شود. در این راه نیز طبق حساب احتمالات می‌توان دلیل شرعی را کشف نمود. تعریف و تبیین سیره متشرعه، تفاوت آن با سیره عقلا و اجماع، نحوه کاشفیت آن از دلیل شرعی و اهمیت سیره متشرعه به عنوان حلقه واسطه بین اجماع و دلیل شرعی، از مباحث مهم این درس می‌باشد.

برای توضیح بیشتر مطالب این درس، می‌توانید به کتاب «اصول الفقه» از مرحوم شیخ محمدرضا مظفر، ابواب اجماع و سیره مراجعه کنید.

متن درس

[... وسائل الإثبات الوجداني للدليل الشرعي - بالنسبة الى غير المعاصرين للشارع - هي الطرق التي توجب العلم بصدور الدليل من الشارع، و لا يمكن حصر هذه الطرق و لكن يمكن ابراز ثلاث طرق رئيسية و هي:
 اولاً: الإخبار الحسى المتعدد بدرجة توجب اليقين، و هو المسمى بالخبر المتواتر.
 ثانياً: الاخبار الحدسى المتعدد بالدرجة نفسها، و هو المسمى بالإجماع.
 ثالثاً: آثار محسوسة تكشف على سبيل الإن عن الدليل الشرعي.....]
 سيرة المتشعبة:

و يناظر الإجماع السيرة المعاصرة و القريبة من عصر المعصومين(ع) للمتشعبة بما هم متشعبة. و توضيح ذلك ان العقلاء المعاصرين للمعصومين إذا اتجهوا الى سلوك معين، فتارة يسلكونه بما هم عقلاء كسلوكهم القائم على التملك بالحيازة مثلاً، و اخرى يسلكونه بما هم متشعبة كمسحهم القدم فى الوضوء ببعض الكف مثلاً. و الاول هو السيرة العقلانية، و الثانى سيرة المتشعبة، و الفرق بين السيرتين ان الأولى لا تكون بنفسها كاشفة عن موقف الشارع، و انما تكشف عن ذلك بضم السكوت الدال على الامضاء، كما تقدم، و اما سيرة المتشعبة، فبالامكان اعتبارها بنفسها كاشفة عن الدليل الشرعى على أساس ان المتشعبة حينما يسلكون سلوكاً بوصفهم متشعبة، يجب ان يكونوا متلقين ذلك من الشارع، و هناك فى مقابل ذلك احتمال ان يكون السلوك المذكور مبنياً على الغفلة عن الاستعلام، او الغفلة فى فهم الجواب على تقدير الاستعلام، غير ان هذا الاحتمال يضعف بحساب الاحتمال كلما لوحظ شمول السيرة، و تطابق عدد كبير من المتشعبة عليها، و من هنا قلنا ان سيرة المتشعبة تناظر الاجماع لأنهما معاً يقومان فى كشفهما على اساس حساب الاحتمال. غير ان الاجماع يمثل موقفاً فتوائياً نظرياً للفقهاء، و الآخر يمثل سلوكاً عملياً دينياً للمتشعبة.
 و كثيراً ما تشكل سيرة المتشعبة بالمعنى المذكور الحلقة الوسيطة بين الاجماع و الدليل الشرعى، بمعنى ان تطابق اهل الفتوى على حكم مع عدم كونه منصوصاً فيما بايدنا من نصوص يكشف بظن غالب اطمئنانى عن تطابق سلوكى، و ارتكازى من المتشعبة المعاصرين لعصر النصوص، و هذا بدوره يكشف عن الدليل الشرعى. و بكلمة اخرى ان الإجماع المذكور يكشف عن رواية غير مكتوبة، و لكنها معاشة سلوكاً و ارتكازاً بين عموم المتشعبة.

سیره متشرعه و تفاوت آن با سیره عقلا

گفته شد که برای احراز وجدانی صدور، می‌توان از راه خبر متواتر، اجماع و سیره متشرعه اقدام نمود. دو راه قبلی در درس‌های گذشته توضیح داده شد. سیره متشرعه نیز بر اساس ضرب احتمالات خطا و کذب در یکدیگر ما را به دلیل شرعی می‌رساند. متشرعین یعنی کسانی که اهل شریعت بوده و پایبند به یک شریعت خاص می‌باشند. متشرعین بخشی از جامعه عقلایی به شمار می‌آیند؛ بنابراین وقتی سیره‌ای، به متشرعین اختصاص نداشت، سیره عقلایی است به این معنی که غیرمتشرعین هم به آن سیره عمل می‌کنند. مثل عمل به خبر ثقه که حتی جوامع فاقد شریعت نیز به آن عمل می‌کنند و به افراد متشرع اختصاص ندارد. گاهی سیره فقط در میان متشرعین وجود دارد؛ مثل مسح پا با قسمتی از کف، نه تمام کف. عقلا اگر متشرع نباشند، نه اهل مسح کشیدن می‌باشند و نه قدرت فهم مسح پا به وسیله قسمتی از کف را دارند؛ زیرا این مسأله از آموزه‌های دینی است. گاهی اوقات نیز با سیره عقلا مواجه می‌شویم که در میان متشرعین هم راه یافته است؛ به شرط این که شارع با آن مخالفت نکند.

خلاصه: سیره متشرعه، اعمال و رفتاری است که از عقلا به عنوان این که متدین و اهل شریعت اند، صادر می‌شود. سیره عقلا عبارت است از رفتار عقلایی که از عقلا بما هم عقلا صادر می‌شود.

تطبیق

سیره المتشرعة: و یناظر الإجماع^۱ السیره^۲ المعاصرة و القریبة من عصر المعصومین (ع) للمتشرعة بما هم متشرعة^۳.
سیره متشرعه: سیره معاصر و نزدیک عصر معصومین (ع) برای متشرعین بما هم متشرعین، (به لحاظ کشف از صدور از راه حساب احتمالات) همانند اجماع است.

و توضیح ذلک^۴ ان العقلاء المعاصرين للمعصومین إذا اتجهوا الی سلوک معین، فتارة یسلکونه بما هم عقلاء کسلوکهم القائم علی التملک بالحیازة^۵ مثلاً.

توضیح سیره معاصر و نزدیک عصر معصوم (ع) به این است که عقلای معاصر با معصوم (ع) اگر به رفتار خاصی گرایش پیدا کنند، گاهی آن را به عنوان این که عاقل اند اتخاذ می‌کنند، نه به عنوان این که متدین اند؛ مثل رفتار بر مبنای تملک با حیازت.

و اخری یسلکونه بما هم متشرعة کمسحهم القدم فی الوضوء ببعض الکف مثلاً. و الاول^۶ هو السیره العقلانية، و الثانی^۷ سیره المتشرعة،

۱. مفعول «یناظر».

۲. فاعل «یناظر».

۳. نه بما هم عقلاء.

۴. مشارالیه: این که سیره معاصر و نزدیک عصر معصوم (ع) برای متشرعه، نظیر اجماع است.

۵. عقلا می‌گویند: هرکس مباحات را حیازت کند، مالک می‌شود. همانند هیزم جمع کردن و صید ماهی و ...

۶. یعنی: انجام رفتار خاص بما هم عقلا.

۷. یعنی: انجام رفتار خاص بما هم متشرعه.

گاهی عقلا، یک رفتار خاص را به عنوان این که اهل شریعت‌اند انجام می‌دهند؛ مثل مسح پا در وضو با استفاده از قسمتی از کف دست. سیره اول، سیره عقلایی است و دوم، سیره متشرعه نام دارد.

Sco۱: ۱۱:۴۳

تفاوت سیره متشرعه و عقلا در کاشفیت از دلیل شرعی

بیان شد که عقلا گاهی به عنوان این که عقلا به شمار می‌آیند، و گاهی به عنوان این که اهل شریعت‌اند، یک رفتار خاص را انجام می‌دهند. اولی را سیره عقلا و دومی را سیره متشرعه می‌نامند. این دو سیره چگونه می‌توانند کاشف از دلیل شرعی باشند؟

کاشفیت سیره عقلا از رأی معصوم (ع) به انضمام سکوت معصوم (ع) حاصل می‌شود؛ اما کاشفیت سیره متشرعه از راه حساب احتمالات است؛ به این طریق که هنگامی یک متشرع، به گونه‌ای خاص، عملی شرعی را انجام می‌دهد، احتمال این که آن را از معصوم (ع) آموخته باشد وجود دارد. وقتی که نفر دوم نیز همان گونه انجام می‌دهد، احتمال می‌رود که او نیز تحت تعلیم معصوم (ع) بوده و اگر تعداد متشرعین که این گونه عمل می‌کنند زیاد شود، به این نتیجه می‌رسیم که رفتار آنان خودسرانه نبوده، بلکه از راه شارع مقدس حاصل شده است.

در مقابل این دیدگاه که متشرعین، رفتار خود را از معصوم (ع) دریافت کرده باشند، احتمال دیگری وجود دارد که رفتار آنان ناشی از این باشد که درباره آن از معصوم (ع) سؤال نکرده باشند یا اگر سؤال مطرح کرده باشند، در فهم آن دچار خطا شده باشند. این موارد بر اساس حساب احتمالات، تضعیف می‌شوند؛ زیرا شمول سیره نسبت به آن رفتار خاص باعث کاهش احتمالات مذکور می‌گردد؛ بنابراین سیره متشرعه نیز همانند اجماع، بر اساس حساب احتمالات، کاشف از دلیل شرعی است، با این تفاوت که اجماع، بیانگر دیدگاه فتوایی فقهاست ولی سیره متشرعه، بیانگر رفتار عملی متشرعین می‌باشد.

FG

تشابه: توانایی کاشفیت از دلیل شرعی

اجماع، سیره متشرعه و سیره عقلا } تفاوت: سیره عقلا از راه سکوت معصوم (ع)، کاشف است، اما اجماع و سیره متشرعه از راه حساب احتمالات، کاشف است.

تشابه: کاشفیت بر اساس حساب احتمالات

اجماع و سیره متشرعه } تفاوت: اجماع، بیانگر دیدگاه فتوایی فقهاست ولی سیره متشرعه، بیانگر رفتار عملی متشرعین است

تطبيق

و الفرق بين السيرتين ان الأولى لا تكون بنفسها كاشفة عن موقف الشارع، و انما تكشف عن ذلك^۱ بضم السكوت الدال على الامضاء، كما تقدم،^۲

فرق بين این دو سیره در این است که سیره عقلا خود به خود، کاشف از نظر شارع نیست، بلکه با ضمیمه کردن سکوت که دلالت بر امضا کند، کاشف از دلیل شرعی است.

و اما سیره المتشرعة، فبالامكان اعتبارها بنفسها كاشفة عن الدليل الشرعي

اما سیره متشرعه ممکن است خود به خود، کاشف از دلیل شرعی باشد؛

على أساس ان المتشرعة حينما يسلكون سلوكاً بوصفهم متشرعة، يجب ان يكونوا متلقين ذلك^۳ من الشارع،

بر اساس این که متشرعین وقتی رفتار خاصی به عنوان متشرع بودن انجام می دهند، واجب است که رفتار خود را از شارع دریافت کرده باشند.

و هناك في مقابل ذلك^۴ احتمال ان يكون السلوك المذكور مبنياً على الغفلة عن الاستعلام،

در مقابل این امر، احتمال این که رفتار مذکور بنا بر غفلت از سؤال کردن باشد، وجود دارد.

او الغفلة في فهم الجواب على تقدير الاستعلام،

یا این که سؤال کرده اما در فهم جواب، دچار غفلت شده باشد.

غير ان هذا الاحتمال^۵ يضعف بحساب الاحتمال كلما لوحظ شمول السيرة، و تطابق عدد كبير من المتشرعة عليها،

اما این احتمال غفلت، بر اساس حساب احتمالات، در صورتی که شمول سیره و هماهنگی تعداد زیادی از متشرعین بر آن سیره، لحاظ شود، تضعیف می گردد.

و من هنا قلنا ان سيرة المتشرعة تناظر الاجماع لأنهما^۶ معاً يقومان في كشفهما على أساس حساب الاحتمال.

و به همین خاطر گفتیم که سیره متشرعه، نظیر اجماع است؛ چون هر دو بر اساس حساب احتمالات می باشند.

غير ان الاجماع يمثل موقفاً فتوائياً نظرياً للفقهاء^۷، و الآخر يمثل سلوكاً عملياً دينياً للمتشرعة^۸.

غير از این که اجماع، بیانگر دیدگاه فتوایی فقها است و سیره متشرعه، بیانگر رفتار عملی و دینی متشرعین است.

۱. مشارالیه: دیدگاه و موقف شارع.

۲. حلقه ثانیه، بحث «الدلیل الشرعی غیر اللفظی»، السیره.

۳. مشارالیه: سلوک و رفتار.

۴. مشارالیه: تلقی و دریافت سلوک.

۵. یعنی: احتمال غفلت از استعلام.

۶. مرجع ضمیر: السیره.

۷. مرجع ضمیر: سیره متشرعه و اجماع.

۸. یعنی: اتفاق قولی فقها.

۹. یعنی: اتفاق عملی متشرعین.

جایگاه سیره متشرعه در صورت فقدان دلیل

گفتیم که سیره متشرعه و سیره عقلا هر دو می‌توانند کاشف از رأی و نظر معصوم (ع) باشند. گاهی ملاحظه می‌شود که فقها بر یک حکم شرعی اتفاق نموده‌اند، اما در کتاب و سنت، دلالتی بر آن فتوا وجود ندارد و عقل نیز نسبت به آن فتوا اقتضائی ندارد. احتمال وجود روایتی که به دست ما نرسیده، دور از ذهن نیست. اما این روایت در کتاب‌های روایی ذکر نشده است؛ زیرا فقهای نزدیک عصر معصوم (ع) وارث یک سیره متشرعه بوده‌اند که به خاطر روشن بودن قضیه، روایت آن را ذکر نکرده‌اند و اکنون فقط فتاوی مشابیه فقها به دست ما رسیده است. نتیجه می‌گیریم که بیان معصوم (ع) وجود داشته و منجر به پیدایش سیره گردیده و این سیره در طی قرن‌ها به فقهای بعدی رسیده است. پس در مواردی، بین بیان معصوم (ع) و اجماع فقها، سیره متشرعه واسطه می‌شود.

FG

اجماع ← سیره متشرعه ← دلیل شرعی

تطبيق

و كثيراً ما تشكل سيرة المتشرعة بالمعنى المذكور الحلقة^۱ الوسيطة بين الاجماع و الدليل الشرعي،

بیشتر اوقات، سیره متشرعه با معنایی که تبیین شد، حلقه واسطه بین اجماع و دلیل شرعی قرار می‌گیرد؛

بمعنى ان تطابق اهل الفتوى على حكم مع عدم كونه^۲ منصوصاً^۳ فيما بايدنا من^۴ نصوص يكشف^۵ بظن غالب اطمئناني^۶ عن تطابق سلوكي و ارتكازي^۷ من المتشرعة المعاصرين لعصر النصوص،

به معنای این‌که هماهنگی اهل فتوا بر یک حکم، با وجود منصوص نبودن آن حکم، در بین روایاتی که در دسترس ماست، با ظن غالب اطمینان‌آور، کشف می‌کند که هماهنگی رفتاری و ارتکازی بین متشرعین معاصر عصر روایات وجود داشته است.

و هذا^۸ بدوره^۹ يكشف عن الدليل الشرعي. و بكلمة اخرى ان الإجماع المذكور يكشف عن رواية غير مكتوبة و لكنها معاشة^۱ سلوكاً و ارتكازاً بين عموم المتشرعة.

۱. مفعول «تشكل».

۲. مرجع ضمير: حكم.

۳. أي: المبيّن و المعين؛ یعنی: تبیین شده و تصریح شده، مفهوم آن این است که یک حکم در روایات مورد تصریح واقع شده باشد.

۴. بیان از «ما».

۵. فاعل: تطابق اهل فتوى.

۶. یعنی: ظن نزدیک به یقین.

۷. در لغت به معنای ثبوت و استقرار است و از نظر مفهومی عبارت است از آنچه که در شعور و عمق ذهن جای گرفته باشد؛ گرچه منشأ آن ناشناخته باقی بماند.

۸. مشارالیه: تطابق سلوكي.

۹. أي: النوبة؛ یعنی: به نوبه خود.

این رفتار هماهنگ، کاشف از دلیل شرعی است و به عبارت دیگر این اجماع، کاشف از روایت نانوشته‌ای است که به شکل رفتاری و ارتکازی بین متشرعین زنده است.

Score: ۳۵:۳۳

۱. أی: ذات حیاة؛ یعنی: زنده و پابرجا.

چکیده

۱. سیره متشرعه، همانند اجماع، بر اساس حساب احتمالات، کاشف از دلیل شرعی است.
۲. متشرعین، بخشی از جامعه عقلائی به شمار می‌آیند؛ با این تفاوت که اگر سیره‌ای اختصاص به آنان نداشت، سیره عقلائی است.
۳. سیره عقلا در صورتی کاشف از دلیل شرعی است که معاصر با معصوم(ع) باشد و سکوت معصوم(ع) را همراه داشته باشد.
۵. در بسیاری از موارد، سیره متشرعه، حلقه واسطه بین اجماع فقها و دلیل شرعی واقع می‌شود.